

# عدالت استقامی

سید محمد مهدی غمامی  
استادیار دانشگاه امام صادق (ع)

حسین عزیزی



## فهرست مطالب

سخن ناشر.....	۱۱
مقدمه.....	۱۳
فصل اول: مفاهیم، مبانی و برداشت‌ها.....	۲۱
۱. عدالت.....	۲۲
۱-۱. مفهوم عدالت.....	۲۲
۲-۱. برداشت‌های مختلف از عدالت.....	۲۴
۱-۲-۱. عدالت رویه‌ای.....	۲۶
۲-۲-۱. عدالت محتوایی.....	۲۷
۳-۲-۱. عدالت توزیعی.....	۲۹
۲. مفاهیم مشابه و مرتبط.....	۲۹
۱-۲. مساوات.....	۳۰
۲-۲. عدم تبعیض.....	۳۱
۱-۲-۲. اصل منع تبعیض در اسناد بین‌المللی.....	۳۲
۲-۲-۲. مقاله‌نامه بین‌المللی مربوط به تبعیض در امور استخدام و اشتغال.....	۳۳
۳-۲. تبعیض مثبت.....	۳۵
۳. عدالت استخدامی.....	۳۸
۱-۳. مفهوم استخدام در دستگاه اجرایی.....	۳۸
۲-۳. مفهوم عدالت استخدامی.....	۴۱
۳-۳. عدالت استخدامی در قانون اساسی.....	۴۳
۴-۳. عدالت استخدامی و طرح تحول اداری.....	۴۳
جمع‌بندی فصل.....	۴۵

فصل دوم: اصول تضمین کننده عدالت استخدامی و راهکارهای تحقق آن در

نظام حقوقی ایران.....	۴۷
۱. اصول تضمین کننده عدالت استخدامی در حقوق ایران.....	۴۸
۱-۱. حاکمیت قانون.....	۴۸
۱-۱-۱. حاکمیت شکلی و رویه‌ای.....	۴۹
۱-۱-۲. حاکمیت ماهوی.....	۵۰
۱-۱-۳. حاکمیت نوعی.....	۵۱
۲-۱. اصل برابری (در دستیابی به) فرصت‌های شغلی.....	۵۲
۳-۱. اصل شفافیت.....	۵۴
الف- روشن نبودن و شفاف نبودن قوانین.....	۵۵
ب- عدم شفافیت تصمیمات.....	۵۸
۴-۱. اصل صلاحیت.....	۶۱
الف- کاهش صلاحیت‌های اختیاری مقامات کارگزینی و گزینش.....	۶۳
ب- توجه به ویژگی تعهد در انتخاب مقامات کارگزینی و هیات گزینش.....	۶۴
ج- گسترده بودن اختیارات مدیران و مقامات ارشد.....	۶۵
۵-۱. اصل لیاقت و شایسته‌سالاری.....	۶۷
۶-۱. اصل ممنوعیت جمع مشاغل.....	۷۱
۷-۱. اصل عطف بما سبق نشدن قوانین و تصمیمات اداری.....	۷۴
۲. مولفه‌های عدالت استخدامی.....	۷۵
۱-۲. راهکارهای تحقق عدالت ماهوی در ورود به خدمت و استخدام.....	۷۵
۱-۲-۱. ورود به خدمت بر اساس مجوزهای صادره و تشکیلات مصوب.....	۷۶
۲-۱-۲. رعایت برابری فرصت‌ها در ورود به خدمت.....	۷۸
۳-۱-۲. رعایت مراتب شایستگی در ورود به خدمت.....	۷۹
الف- شایسته‌سالاری در منابع اسلامی.....	۸۱
ب- شایسته‌سالاری در نظام حقوقی ایران.....	۸۳
یک) گزینش.....	۸۶
اول- معیار، مهم‌ترین عنصر گزینش.....	۸۸
دوم- سیر تحولات گزینش استخدامی.....	۹۳

فهرست مطالب □ ۷

۹۵	سوم- ضوابط گزینش
۹۶	چهارم- ضوابط انتخاب اصلح (ملاک‌های تقدم)
۹۶	پنجم- روش بررسی ضوابط در مورد افراد
۹۷	ششم- تشریفاتى شدن گزینش و آزادی عمل دستگاه‌های اجرایی
۹۹	هفتم- جایگزینی نیروهای دائمی با نیروهای موقت
۱۰۱	دو) طبقه‌بندی مشاغل
۱۰۳	۲-۲. راهکارهای تحقق عدالت رویه‌ای
۱۰۵	۲-۲-۱. آزمون‌های استخدامی
۱۰۸	الف) امتحان عمومی
۱۱۰	ب) امتحان یا مسابقه تخصصی
۱۱۳	ج) مصاحبه استخدامی
۱۱۴	۲-۲-۲. اطلاع‌رسانی
۱۱۵	جمع‌بندی فصل
۱۱۷	فصل سوم: عدالت استخدامی و گروه‌های خاص
۱۱۸	۱. زنان
۱۱۹	۱-۱. اشتغال و استخدام زنان در اسناد بین‌المللی
۱۲۰	۱-۲. اشتغال و استخدام زنان در قانون اساسی
۱۲۲	۱-۳. استخدام زنان در قوانین موضوعه
۱۲۳	۱-۴. محدودیت‌های استخدام زنان در ایران
۱۲۴	۴-۱-۱. محدودیت به خاطر منع شرعی
۱۲۴	الف- قضاوت زنان پیش از انقلاب
۱۲۵	ب- قضاوت زنان پس از انقلاب
۱۳۱	۴-۱-۲. محدودیت به لحاظ وضع خاص زنان
۱۳۱	الف- اشتغال به کارهای خطرناک، سخت و زیان‌آور
۱۳۲	ب- محدودیت‌های استخدام زنان در نیروهای مسلح
۱۳۳	یک- ارتش
۱۳۴	دو- نیروی انتظامی
۱۳۶	سه- سپاه پاسداران

- ۱۳۸-۳-۱-۴. اشتغال به شغل منافی مصالح خانوادگی یا حیثیات زن ..... ۱۳۸
- ۱۳۹-۵-۱. مبانی این محدودیت‌ها ..... ۱۳۹
- ۱۴۳-۲. معلولان ..... ۱۴۳
- ۱۴۴-۱-۲. مفهوم و معنای معلول ..... ۱۴۴
- ۱۴۵-۲-۲. حمایت از معلولان در اسناد بین‌المللی ..... ۱۴۵
- ۱۴۷-۳-۲. حمایت از معلولان در چارچوب اسناد حقوقی خاص ..... ۱۴۷
- ۱۵۰-۴-۲. حمایت از معلولان در حقوق ایران ..... ۱۵۰
- ۱۵۴-۵-۲. مبانی سهمیه‌ها ..... ۱۵۴
- ۱۵۶-۳. ایثارگران و خانواده‌های شهدا ..... ۱۵۶
- ۱۵۶-۱-۳. مفهوم ایثارگر ..... ۱۵۶
- ۱۵۹-۲-۳. حقوق استخدامی ایثارگران در قوانین ایران ..... ۱۵۹
- ۱۶۳-۳-۳. سهمیه‌های استخدامی و عدالت ..... ۱۶۳
- ۱۷۳-۴-۳. بررسی تطبیقی حقوق ایثارگران ..... ۱۷۳
- ۱۷۳-۱- آمریکا ..... ۱۷۳
- ۱۷۴-۲- فرانسه ..... ۱۷۴
- ۱۷۵-۳- روسیه ..... ۱۷۵
- ۱۷۵-۴. بیگانگان ..... ۱۷۵
- ۱۷۵-۱-۴. مفهوم بیگانه ..... ۱۷۵
- ۱۷۸-۲-۴. مقررات مربوط به کار اتباع بیگانه در قوانین موضوعه ایران ..... ۱۷۸
- ۱۸۱-۱-۲-۴. ممنوعیت استخدام کارشناسان خارجی ..... ۱۸۱
- ۱۸۲-۲-۲-۴. ممنوعیت عضویت بیگانگان در ارتش و نیروی انتظامی ..... ۱۸۲
- ۱۸۲-۳-۴. فلسفه محدودیت اشتغال اتباع بیگانه ..... ۱۸۲
- ۱۸۲-۱-۳-۴. عمل متقابل: اصل اول در تدوین حقوق اتباع خارجی ..... ۱۸۲
- ۱۸۳-۲-۳-۴. آثار سوء اشتغال اتباع بیگانه ..... ۱۸۳
- ۱۸۳-۳-۳-۴. منافع ملی و ملاحظات امنیتی ..... ۱۸۳
- ۱۸۵-۴-۴. اسلام و تابعیت ..... ۱۸۵
- ۱۸۷-۵. اقلیت‌های دینی ..... ۱۸۷
- ۱۸۸-۱-۵. حقوق اقلیت‌های دینی در نظام بین‌الملل ..... ۱۸۸

فهرست مطالب □ ۹

۱۹۱.....	۲-۵. حقوق اقلیت‌ها در نظام حقوقی ایران.....
۱۹۴.....	۳-۵. حقوق استخدامی اقلیت‌های دینی .....
۲۰۲.....	۴-۵. وضعیت غیر اهل کتاب در ایران .....
۲۰۳.....	۵-۵. مبانی این محدودیت‌ها .....
۲۰۵.....	۱-۵-۵. لزوم اجرای قوانین اسلامی .....
۲۰۶.....	۲-۵-۵. وفاداری و منافع عامه .....
۲۰۸.....	۳-۵-۵. قاعده نفی سبیل .....
۲۱۲.....	جمع‌بندی فصل .....
۲۱۷.....	نتیجه‌گیری پایانی .....
۲۲۱.....	یادداشت‌ها .....
۲۲۵.....	منابع و مأخذ .....
۲۳۷.....	نمایه .....





«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»  
وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي  
فَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِّنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ  
(قرآن کریم. سوره مبارکه النمل. آیه شریفه ۱۵)

### سخن ناشر

فلسفه وجودی دانشگاه امام صادق علیه السلام که از سوی ریاست دانشگاه به کرات مورد توجه قرار گرفته، تربیت نیروی انسانی ای متعهد، باتقوا و کارآمد در عرصه عمل و نظر است تا از این طریق دانشگاه بتواند نقش اساسی خود را در سطح راهبردی به انجام رساند.

از این حیث «تربیت» را می توان مقوله ای محوری یاد نمود که وظایف و کارویژه های دانشگاه، در چارچوب آن معنا می یابد؛ زیرا که «علم» بدون «تزکیه» بیش از آنکه ابزاری در مسیر تعالی و اصلاح امور جامعه باشد، عاملی مشکل ساز خواهد بود که سازمان و هویت جامعه را متأثر و دگرگون می سازد. از سوی دیگر «سیاست ها» تابع اصول و مبادی علمی هستند و نمی توان منکر این تجربه تاریخی شد که استواری و کارآمدی سیاست ها در گرو انجام پژوهش های علمی و بهره مندی از نتایج آنهاست. از این منظر پیشگامان عرصه علم و پژوهش، راهبران اصلی جریان های فکری و اجرایی به حساب می آیند و نمی توان آینده درخشانی را بدون توانایی های علمی - پژوهشی رقم زد و سخن از «مرجعیت علمی» در واقع پاسخ گویی به این نیاز بنیادین است.

**دانشگاه امام صادق علیه السلام** در واقع یک الگوی عملی برای تحقق ایده دانشگاه اسلامی در شرایط جهان معاصر است. الگویی که هم‌اکنون ثمرات نیکوی آن در فضای ملی و بین‌المللی قابل مشاهده است. طبعاً آنچه حاصل آمده محصول نیت خالصانه و جهاد علمی مستمر مجموعه بنیان‌گذاران و دانش‌آموختگان این نهاد است که امید می‌رود با اتکاء به تأییدات الهی و تلاش همه‌جانبه اساتید، دانشجویان و مدیران دانشگاه، بتواند به مرجعی تمام عیار در گستره جهانی تبدیل گردد.

**معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق علیه السلام** با توجه به شرایط، امکانات و نیازمندی جامعه در مقطع کنونی با طرحی جامع نسبت به معرفی دستاوردهای پژوهشی دانشگاه، ارزیابی سازمانی - کارکردی آن‌ها و بالاخره تحلیل شرایط آتی اقدام نموده که نتایج این پژوهش‌ها در قالب کتاب، گزارش، نشریات علمی و... تقدیم علاقه‌مندان می‌گردد. هدف از این اقدام - ضمن قدردانی از تلاش خالصانه تمام کسانی که با آرمان و اندیشه‌ای بزرگ و ادعایی اندک در این راه گام نهادند - درک کاستی‌ها و اصلاح آن‌ها است تا از این طریق زمینه پرورش نسل جوان و علاقه‌مند به طی این طریق نیز فراهم گردد؛ هدفی بزرگ که در نهایت مرجعیت **مکتب علمی امام صادق علیه السلام** را در گستره بین‌المللی به همراه خواهد داشت. (ان شاء الله)

ولله الحمد

معاونت پژوهشی دانشگاه

## مقدمه

عدالت و اجرای آن، یکی از نیازهای اساسی و فطری انسان است که همواره در طول تاریخ، وجود آن بستری مناسب به منظور توسعه جوامع انسانی فراهم کرده است. ساختار و بنای اصلی مدیریت اسلامی نیز بر همین اصل عدالت استوار شده است؛ حقیقت آن است که نظام هستی و آفرینش بر پایه نظم و عدل استوار است و افکار، اندیشه‌ها و رفتاری که با این نظام تطبیق داشته و در مسیر سنت‌های الهی حرکت کرده و روش و رفتار عادلانه‌ای داشته باشند و در تلاش به نفی و مخالفت آن برنیایند، پایدار باقی می‌مانند و گرنه به صف ستمگران و ظالمان تاریخ می‌پیوندند و از خط عدالت و انصاف خارج می‌شوند و نهایتاً به فنا و نابودی محکوم خواهند بود.

در واقع، عدالت یکی از مهم‌ترین اهداف و آرمان‌های انسان است که تحقق آن خواسته تمام جوامع بشری است و حقوق و عدالت اگرچه مفاهیمی توأمان نیستند اما پیوندی ناگسستنی با هم دارند و دو همزاد تاریخی‌اند. این مساله که با حیات اجتماعی انسان بر روی کره زمین آغاز شده و همواره در زمره ارزش‌های معنوی بشر، حقیقتی ثابت و تغییرناپذیر بوده است، نسبت به سایر ارزش‌های معنوی مانند آزادی، دموکراسی، مساوات، برابری، جود و ... از جایگاه والاتری برخوردار است. همان‌گونه که امیرالمؤمنین نیز در مقایسه میان عدل و جود فرمودند: «العدل یضع الامور مواضعها و الجود یخرجها من جهتها، العدل سائس عام و الجود عارض

خاص، فالعدل اشرفهما و افضلهما» (نهج البلاغه، حکمت ۴۳۷).  
 برقراری عدالت در جامعه اسلامی، در کنار رشد اقتصادی جامعه اسلامی و تأمین زمینه‌های رشد معنوی برای آحاد شهروندان، وظیفه‌ای کلیدی برای دولت اسلامی می‌باشد. حکومتی که داعیه اسلامی بودن دارد، موظف است عدالت را در جامعه برقرار سازد. امام خمینی (ره) هدف از تشکیل حکومت را برقراری عدالت اجتماعی در جامعه ذکر نموده است: «عهددار شدن حکومت فی حد ذاته شأن و مقامی نیست، بلکه وسیله انجام وظیفه اجرای احکام و برقراری نظام عادلانه اسلام است.» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۴: ۳۹۷).

در قرآن کریم، تعداد ۲۹ آیه از آیات قرآن مستقیماً درباره عدالت نازل شده است و حدود ۲۹۰ آیه دیگر هم در مورد ظلم - که ضد عدالت می‌باشد - نازل شده است و این امر نشان‌دهنده اهمیت آن در دین اسلام است و قرآن کریم حتی هدف بعثت انبیا را هم به منظور برقراری قسط و عدل مطرح می‌کند (حدید/۲۵). استاد شهید مطهری در این خصوص می‌فرماید: «عدل به مفهوم اجتماعی، هدف نبوت و به مفهوم فلسفی، مبنای معاد است» (مطهری، ۱۳۸۴: ۴۸).

اهمیت عدالت به اندازه‌ای است که حتی آن را ضامن بقای جامعه و تمدن دانسته‌اند. ویل دورانت، مورخ شهیر غربی، در مقدمه تاریخ تمدن خود، ریشه از پا افتادگی و نابودی تمدن‌ها را در بی‌عدالتی و نابرابری می‌داند و می‌گوید: «تمدن را نمی‌شود با فتح و غلبه از میان برد، تمدن تنها از درون تخریب می‌شود. مدنیت در جامعه با رعایت تساوی حقوق انسان‌ها شکوفا و بارور می‌شود و تبعیض، ریشه آن را می‌خشکاند» (دورانت، ۱۳۷۸: ۳-۴).

امام خمینی به عنوان اسلام‌شناسی جامع و پایه‌گذار یک نظام حکومتی بر اساس تعالیم دین اسلام نیز، با اعتقاد به جامعیت مکتب اسلام در برطرف کردن نیازهای مادی و معنوی افراد، برقراری عدالت اجتماعی را مقصد بزرگ اسلام معرفی نموده است (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱: ۱۹۸). از نگاه

امام، در جامعه مبتنی بر توحید، عدل الهی منشأ تمام امور خواهد بود (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۵: ۸۱) و لذا معتقدند که وضع احکام دین و کلیت دانش فقه و موضوع آن در جهت تحقق عدالت است؛ زیرا احکام همگی اموری ابزاری و وسیله تحقق عدالت در جامعه‌اند: «احکام، مطلوب بالعرض و اموری ابزاری هستند برای اجرای حکومت و گسترش عدالت.» (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲: ۶۳۳) ایشان درگیری‌ها و جنگ‌های رسول اکرم (ص) و سایر پیامبران را هم در راستای بسط عدالت اجتماعی در جهان می‌دانند (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۸: ۸۱) لکن علی‌رغم تأکیدات فراوان و نقش بزرگی که برای عدالت قائل‌اند، تحقق آن را در جامعه نه یک هدف نهایی بلکه هدفی مقدماتی ذکر می‌نمایند و توسعه معرفت الهی را به عنوان هدف نهایی از برقراری عدالت در جامعه معرفی می‌نمایند: «وقتی که مفاد آیات شریفه را می‌خوانیم یا سیره انبیاء را ملاحظه می‌کنیم، می‌بینیم که آن‌ها تمامشان یکی از کارهایی که البته مقصود نبوده مقدمه بوده این بوده است که عدالت را در دنیا ایجاد کنند... تبع ایجاد عدالت فرصت پیدا می‌شود برای اینکه هر کس هر چیزی دارد بیاورد. وقتی که آشفته است نمی‌تواند، در یک محیط آشفته نمی‌شود که اهل عرفان، عرفانشان را عرضه کنند، اهل فلسفه، فلسفه‌شان را، اهل فقه، فقهشان را.» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۰: ۱۱۶).

امروزه، یکی از ملموس‌ترین جنبه‌های عدالت، عدالت در حوزه استخدامی است که خود در ذیل عدالت اجتماعی جای می‌گیرد. در واقع، یکی از مصادیق بی‌عدالتی در جامعه ما، بی‌عدالتی در جذب نیروی کار است؛ امری که مدت‌های مدیدی است چهره عدالت را در جامعه ما مخدوش نموده است. وظیفه قانونگذار در هر جامعه‌ای این است که امکانات و تسهیلات طبیعی، اقتصادی و اجتماعی را بطور یکسان در اختیار همه افراد قرار دهد. تلاش حاکم باید ایجاد چنین فضایی باشد تا هر کس در قبال بهره‌وری از امکانات، بتواند استعداد و لیاقت خود را شکوفا سازد و در مسیر رشد و تعالی خود و سرانجام ارتقای سطح توانمندی جامعه قدم

بردارد اما آنچه که امروزه متأسفانه دیده می‌شود آن است که درس، مدرک و مهارت‌های شغلی مدخلیت چندانی در ورود به خدمت ندارند و مسائلی همچون حزب‌گرایی و یا روابط خویشاوندی، بر قواعد و قوانین‌گزینش و استخدام حاکم شده‌اند.

مطابق با اصول متعدد قانون اساسی و از جمله اصل ۲۸، دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید. هدف از برابری در فرصت، فراهم کردن شرایط یکسان برای همه افراد به منظور رسیدن به جایگاه‌های مختلف در مشاغل گوناگون است که در حقوق اداری تحت عنوان عدالت استخدامی از آن یاد می‌شود. اهداف عدالت استخدامی به دو گونه تعیین می‌شود: برابری در فرصت و برابری در نتایج (به تعبیری برابری در آغاز و برابری در پایان).

با همه اهمیتی که این موضوع دارد قوانین و مقررات جمهوری اسلامی نتوانسته‌اند اقتضائات مبنایی تحقق عدالت استخدامی را تأمین کنند و در عمل نیز نگرش‌های خاص برخی از برنامه‌ریزان در دولت و تصویب برخی از قوانین پیشنهادی از طرف هیئت دولت، عدالت استخدامی را نقض نموده است.

علاوه بر این، جمهوری اسلامی ایران که با داعیه برقراری عدالت در جامعه شکل گرفته است، امروزه با سوالات و ابهامات بسیاری در رابطه با عدالت، مواجه است. این سوالات و ابهامات در سطوح مختلف داخلی و خارجی، چالش‌هایی را برای آن به وجود آورده است. در سطح داخلی، منجر به افزایش احساس نارضایتی مردم شده است و در سطح خارجی نیز باعث خدشه‌دار شدن وجهه بین‌المللی کشور گردیده است. این سوالات و ابهامات بیشتر در رابطه با گروه‌های خاصی از جامعه مانند زنان، اقلیت‌های دینی، بیگانگان، معلولین و ایثارگران مطرح یوده است. لزوم تبیین صحیح از مساله عدالت و وضعیت گروه‌های مزبور، یکی دیگر از دلایل عمده نگارش این کتاب بوده است.

با توجه به سوابق نقض عدالت استخدامی در ایران و نیز ایرادات سازمان بین‌المللی کار در خصوص با مقاوله نامه شماره ۱۱۱ درباره تبعیض در استخدام و اشتغال (مصوب سازمان بین‌المللی کار ۱۹۵۸)<sup>۱</sup>، امید است این کتاب بتواند مبانی عدالت استخدامی را تبیین نماید و روش‌های تحقق این عدالت را روشن سازد تا گامی عملی در راستای تحقق هرچه بیشتر عدالت در جامعه برداشته شود.

آنچه این کتاب دنبال می‌کند، پاسخگویی به سؤالات زیر است:

۱. مبانی عدالت استخدامی در نظام حقوق ایران چیست؟
  ۲. جایگاه این مفهوم در ساختار حقوقی کشورمان به چه نحو است؟
  ۳. اصول تضمین‌کننده عدالت استخدامی و مولفه‌های آن در نظام حقوق ایران چیست؟
  ۴. اختلافاتی که در وضعیت برخی از گروه‌های جامعه وجود دارد، چگونه با عدالت استخدامی قابل جمع است؟
  ۵. آیا وضعیت متفاوت این گروه‌ها در استخدام‌ها، به معنای نقض عدالت استخدامی و نقض آن در نظام حقوقی ایران است؟
  ۶. و در نهایت این‌که عدالت استخدامی در قانون مدیریت خدمات کشوری چگونه محقق شده است؟ قانون مدیریت خدمات کشوری به عنوان قانون جامع استخدامی کشور، چگونه و با استفاده از چه ساز و کارهایی به دنبال تحقق عدالت استخدامی در نظام حقوقی کشور بوده است؟
- نفس وجود نابرابری‌ها و تفاوت‌ها در استخدام نیروها و کارکنان، به منزله نقض عدالت استخدامی نیست؛ بلکه با توجه به معنای منتخب از

---

۱. این مقاوله نامه در تاریخ ۱۳۴۳.۲.۱۷ تحت عنوان «قانون راجع به الحاق دولت ایران به مقاوله نامه بین‌المللی شماره ۱۱۱ مربوط به تبعیض در امور استخدام و اشتغال» به تصویب مجلس شورای ملی رسیده است.

Convention No. 111, Convention concerning Discrimination in Respect of Employment and Occupation, 1958

عدالت که همانا " اعطاء کل ذی حق حقه " است، بدون توجه به تفاوت‌ها، عدالت هرگز محقق نخواهد شد و در خود معنای عدالت، " نابرابری " نهفته است. وجود قوانین و مقررات متفاوت در زمینه استخدام‌ها، باید با توجه به مبنای وضع آن‌ها نگریده شود و این مبانی هستند که قوانین و مقررات را ظالمانه یا عادلانه معرفی می‌کنند. در این میان با توجه به آموزه‌های اسلامی و نظر به قواعد متعددی از جمله نفی سبیل محدودیت‌هایی در برابری همه شهروندان از لحاظ دسترسی به مشاغل عمومی وجود دارند.

علی‌رغم اینکه در قانون مدیریت خدمات کشوری، به عنوان جامع‌ترین قانون مربوط به استخدام کارکنان و کارمندان دولت، تلاش شده تا نظام به‌کارگیری و پرداخت‌ها مبتنی بر عدالت قرار گیرد که البته تا حدود زیادی هم موفق بوده است اما همچنان خلأها و گریزگاه‌های متعددی در این قانون و اصلاحات بعدی آن از جمله استثنائات دیده می‌شود که این امر زمینه‌ای برای استخدام‌های خارج از چهارچوب‌های تعیین شده توسط قوانین استخدامی را فراهم آورده است.

این کتاب، یک پژوهش «توصیفی - تحلیلی» بوده و به روش «جمع‌آوری منابع کتابخانه‌ای» صورت گرفته است و چون نتایج آن در جهت بهبود قانونگذاری و برطرف کردن مشکلات ناشی از قانون فعلی مورد استفاده قرار می‌گیرد، لذا یک تحقیق کاربردی نیز محسوب می‌شود.

نکته مهمی که پیش از ورود به بحث می‌بایست ذکر گردد این است که حوزه عدالت استخدامی، حوزه‌ای وسیع و پرحاشیه است که پرداختن به تمامی ابعاد آن در یک کتاب، امکان‌پذیر نیست و لذا در اینجا تنها به یکی از ابعاد آن، یعنی عدالت در بدو ورود و استخدام پرداخته شده است و سایر ابعاد این موضوع مانند عدالت در دریافت‌ها و مزایا و از این قبیل مد نظر نبوده و خود بحث مفصل دیگری را می‌طلبد.

**فصل نخست** کتاب به چهارچوب نظری بحث اختصاص یافته است. در این فصل، به تبیین معنا و مفهوم عدالت، برداشت‌های مختلف از عدالت و



برداشت مختار خود از عدالت، رابطه عدالت با مساوات، برابری و تبعیض پرداخته و در نهایت مراد خود از مفهوم عدالت استخدامی را بیان می‌کنیم. در **فصل دوم**، اصول و راهکارهایی را که سعی در تضمین عدالت استخدامی در نظام حقوقی ایران دارند، بررسی می‌کنیم. سرانجام در **فصل سوم**، عدالت استخدامی را در رابطه با گروه‌های خاص جامعه مورد بررسی قرار می‌دهیم. این گروه‌های خاص شامل زنان، اقلیت‌های دینی، معلولین، ایشارگران و بیگانگان، محل بحث فراوان بوده و هستند و همواره با ابهامات و ایراداتی چه از سوی مردم و نهادهای داخلی و چه از سوی نهادهای بین‌المللی بوده‌اند. در نگارش این اثر که آقای حسین عزیزی دانشجوی دکتری حقوق عمومی به عنوان همکار اینجانب همت تام مصروف داشته‌اند سعی شده است تا با تحلیلی حقوقی به مسأله‌ی عدالت در نظام استخدامی ایران با تأکید بر مرحله بدو خدمت پرداخته شود و تمامی اصول حقوقی حاکم، و علل و ضوابط پذیرش گروه‌های خاص مورد مذاقه قرار گیرد. با وجود این صمیمانه از اساتید و پژوهشگران محترم استدعا دارم تا هرگونه نکته و نقطه نظری در خصوص مفاد این کتاب دارند از طریق رایانه نامه (ghamamy@isu.ac.ir) در اختیار اینجانب قرار دهند. به یقین و ضمن سپاسگزاری، این امر موجب ارتقای علمی کتاب در چاپ‌های آتی خواهد شد.

سید محمد مهدی غمامی

فروردین ۱۳۹۵



## فصل اول:

### مفاهیم، مبانی و برداشتها

عدالت از جمله اصولی است که به کار بستن آن سبب قوام و پایداری اجتماع است و با اجرای آن، حق هر کس ادا شده و راه تعدی و تجاوز به حقوق دیگران بسته می‌شود. تنظیم روابط سالم اجتماعی و حفظ حاکمیت ضوابط و قوانین الهی در جامعه اسلامی تنها در سایه عدالت میسر است؛ به وجود عدالت است که آسمان‌ها و زمین‌ها استوار شده‌اند و چنانچه عدالت نباشد افلاک و کروات از هم متلاشی خواهد گردید (بالعدل قامت السموات و الارضون) و به سبب عدالت برکت‌ها دوچندان می‌شود: «بالعدل تتضاعف البرکات.» (محمدی ری شهری، ۱۳۶۲: ۹۰) یعنی سلوک به عدالت باعث اثرهای تکوینی شده، رفاه و امنیت خلق را بتمامه تأمین می‌کند که چیزی مانند داد سرزمین‌ها را آباد نمی‌سازد: «ما عمّرت البلدان بمثل العدل» (خوانساری، ۱۳۶۰، ج ۱: ۱۹۳) و بدین ترتیب کار مردمان اصلاح می‌شود: «العدل یصلح البریه» (خوانساری، ۱۳۶۰، ج ۱: ۱۷۵) و امور خلائق به صلاح در می‌آید: «بالعدل تصلح الرعیة» (خوانساری، ۱۳۶۰، ج ۱: ۳۵۴)

اما در اینجا این سؤال پیش می‌آید که این عدالتی که این همه در آیات و روایات مورد تأکید قرار گرفته است و دارای این همه آثار است، به چه معناست؟ و در واقع، چه معنایی از عدالت است که مد نظر آیات و روایات قرار گرفته است؟ لذا ضروری است که ابتدا به بررسی معنا و مفهوم خود «عدالت» پرداخته شود.

## ۱. عدالت

معنا، مفهوم و چیستی عدالت از جمله مباحث مهمی است که در پاسخ به آن، تعریف‌های متعدد و متفاوتی ارائه شده است، هم‌چنان‌که در پرسش از انواع عدالت و نمادهای آن، گونه‌های مختلفی از عدالت، هم‌چون عدالت ثبوتی و اثباتی، عدالت توزیعی و معاوضی، عدالت طبیعی و عرفی یا قانونی، عدالت واقعی و رسمی، عدالت ماهوی و شکلی، عدالت مطلق و نسب، عدل فلسفی، عدل کلامی، عدل سیاسی، عدل اخلاقی و عدل حقوقی مطرح شده یا قابل طرح است که پرداختن به آن‌ها خارج از وظیفه این پایان‌نامه است.

### ۱-۱. مفهوم عدالت

واژه‌شناسان درباره معنا و مفهوم عدل و عدالت معانی متعددی ذکر نموده‌اند که در این مجال، به برخی از آن‌ها اشاره می‌نماییم:

در لغت‌نامه دهخدا، عدالت مقابل ظلم، جور و بیداد قلمداد شده است و به معنای استقامت، برابری، میانه‌روی آمده است (دهخدا، ۱۳۴۱: ج ۲۹: ۱۱۹) برخی هم گفته‌اند عدالت از ریشه «عدل» است و این ریشه دارای دو معنای متضاد است: نخست به معنای استواء (برابری) و دیگری به معنای اعوجاج (ابن فارس، ۱۴۰۴ ق، ج ۴: ۲۴۶). از این رو به چیزی که همانند چیز دیگری است، گفته می‌شود: «عدل آن است». به همین خاطر راغب بر این نظر است «عدالت و معادله دارای معنای مساوات و برابری است و در مقایسه میان اشیا به کار می‌رود... پس عدل، تقسیم نمودن به‌طور مساوی است» (راغب اصفهانی، ۱۳۶۲: ۳۲۵). حموی در کتاب خود، عدالت را به «راستی و راست بودن، ضد ظلم و ستم، برابری و امری که در آن میانه‌روی باشد» معنا می‌کند (حموی، بی‌تا: ۹۴۵). ابن منظور نیز گفته است: «عدل هر آن چیزی است که فطرت انسان، حکم به استقامت و درستی آن نماید» (ابن منظور، بی‌تا، ج ۱۱: ۴۱۴) و برخی دیگر هم آن را به «حد متوسط میان افراط و تفریط در قوای درونی» تعریف کرده‌اند (فرهنگ معین، واژه عدل).

برخی از دانشمندان معاصر هم معنای لغوی عدل را «هر چیزی را به جای خود نهادن» بیان کرده و عبارت مشهور «العدل وضع کل شیء فی موضعه» را ذکر کرده‌اند (مصباح، ۱۳۷۳، ج ۲-۱: ۱۹۲).

حقیقت آن است که بحث پیرامون عدالت و ابعاد آن در میان اندیشمندان و فلاسفه اسلامی، به خاطر اهمیت و جایگاه آن در اسلام، بسیار صورت گرفته و نظرات مختلفی در این باره بیان شده است اما شاید کمتر کسی توانسته باشد مانند علامه طباطبایی (ره) تعریفی دقیق و جامع از عدالت بیان کند. مرحوم علامه طباطبایی در این باره می‌فرماید: «حقیقت عدل برپاداشتن مساوات است و برقراری موازنه بین امور، به طوری که هر چیزی سهم مورد استحقاق خویش را داشته باشد و در همه امور که در این نکته در جایگاه مستحق خویش هستند، مساوی گردند» [۱] (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۲: ۳۵۳) و «اینکه گفته‌اند عدالت میانه‌روی و اجتناب از دو سوی افراط و تفریط در هر امری است، این در حقیقت معنا کردن کلمه (عدالت) به لازمه معنای اصلی است.» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۲: ۳۳۱). پس تساوی بین افراد و بین طبقات، تنها برای همین است که هر صاحب حقی، به حق خاص خود برسد، بدون اینکه حقی مزاحم حق دیگری شود و یا به انگیزه دشمنی و یا تحکم و زورگویی یا هر انگیزه دیگر به کلی مهمل و نامعلوم گذاشته شود و یا صریحاً باطل شود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲: ۲۷۶).

علامه طباطبایی معتقد است که همه افراد اجتماع در این امر مساوی‌اند که باید به حقوق واقعی خود برسند. وی می‌نویسد: عدالت همیشه مساوی با حُسن و ملازم با آن است، چون ما برای حُسن، معنایی جز آنچه طبع بدان میل کند و به سویش جذب شود قائل نیستیم و قرار دادن هر چیزی در جایی که سزاوار آن است از این جهت که در جای خود قرار گرفته چیزی است که انسان متمایل آن است و به خوبی آن اعتراف دارد و اگر احیاناً مخالف آن را مرتکب شود عذرخواهی می‌کند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۲: ۳۳۱).

حضرت علامه طباطبایی به تبع این نگاهی که به عدالت دارند، معتقدند

عدالت اجتماعی نیز عبارت است از اینکه حق هر صاحب حقی به او داده شود و هر کس به حق خودش که لایق و شایسته آن است برسد، نه ظلمی به او شود و نه او به کسی ظلم کند [۲] (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۳۷۹). شهید مطهری <sup>رضوان الله تعالی علیه</sup> نیز در تعریف عدل، «اعطاء کل ذی حق حقه» را اخذ نموده و معتقد است که عدالت یعنی آن که هر صاحب حقی به تمام حقوق خود دست پیدا کند و طبق این تعریف، ایشان حق را مساله‌ای واقعی و نفس‌الامری می‌دانست بدین معنا که در واقع و نفس‌الامر حقی وجود دارد و ذی‌حقی، بنابراین ذی‌حق بودن و ذی‌حق نبودن، یک واقعیت است (اصغری، ۱۳۸۱: ۱۲۷). این شهید بزرگوار، عدالت را از مقیاس‌های اسلام و در سلسله علل احکام می‌داند: «اصل عدالت از مقیاس‌های اسلام است که باید دید چه چیزی بر او منطبق می‌شود. عدالت در سلسله علل احکام است نه در سلسله معلولات، نه این است که آنچه دین گفت عدل است، بلکه آنچه عدل است دین می‌گوید» (مطهری، ۱۴۰۳: ق: ۱۴).

### ۲-۱. برداشت‌های مختلف از عدالت

این پرسش که عدالت و یا امر عادلانه چیست و یا چه نوع تصمیمی عادلانه اطلاق می‌شود، در تاریخ گذشته تا به امروز با پاسخ‌هایی متفاوت روبرو شده است. در فلسفه یونان باستان، عدالت را فضیلت و عموماً در چارچوب تعادل در سطوح مختلف (انسان- اجتماع) توضیح می‌دادند؛ بنابراین، جامعه عادل، جامعه متعادل به شمار می‌آید؛ یعنی به همان نحوی که انسان دارای قوای متفاوتی است و این قوا باید هر کدام کارویژه‌های خود را انجام دهند تا فرد متعادل باشد، جامعه عادل نیز به شکل سلسله‌مراتبی خود که مبین انجام کارویژه‌های هر قشری است، توضیح داده می‌شد (فاستر، ۱۳۷۰: ۴۱). اولین تعاریف از مفهوم عدالت، به سقراط، افلاطون و ارسطو برمی‌گردد. یکی از پرسش‌های سقراط در مورد سرشت عدالت بود (مرامی، ۱۳۷۸: ۱۵). بعد از سقراط، شاگردش افلاطون در مهم‌ترین اثر خود- کتاب جمهوری-

نخستین بحث تفصیلی درباره عدالت در فلسفه سیاسی قدیم را مطرح نمود. در واقع، نوشته‌های افلاطون (۴۲۷ تا ۳۴۷ پیش از میلاد)، فیلسوف بزرگ یونانی را می‌توان نخستین نوشته‌های مبسوط درباره عدالت به شمار آورد و سؤال «عدالت چیست؟» موضوع اصلی کتاب جمهوری افلاطون است (افلاطون، ۱۳۶۷: ۳۳۱). افلاطون، عدالت را خصوصیتی از بشر می‌داند که عناصر مختلف روان آدمی را هماهنگ می‌کند و آن‌ها را به حوزه‌های خاص خود محدود می‌سازد تا کل ابعاد بشر قادر به عملکرد صحیح باشد (کاتوزیان، ۱۳۷۹: ۲۲۲-۲۲۵). به نظر افلاطون، عدالت در عرصه اجتماع در صورتی برقرار می‌شود که «هرکس به کاری دست زند که شایستگی و استعداد آن را دارد و از مداخله در کار دیگران بپرهیزد». پس اگر یک فرد سپاهی قدرت را به دست گیرد یا یک تاجری به سپاهی گری پردازد، نظم اجتماع به هم می‌ریزد و ظلم جانشین عدل خواهد شد (کاتوزیان، ۱۳۷۶: ۳۵).

ارسطو نیز تا حد زیادی متأثر از سقراط و استادش افلاطون بوده است. او سعادت راستین را در فضیلت می‌داند و فضیلت در بالاترین وجه خود، در عدالت متجلی می‌شود. از نظر او، عدالت داشتن رفتاری برابر با افراد برابر است (مرامی، ۱۳۷۸: ۱۶). عدالت مطابق با طبقه‌بندی مشهور ارسطو در کتاب پنجم اخلاق نیکوماخوس بر دو گونه است: توزیعی و اصلاحی. مراد وی از عدالت توزیعی، عدالتی است که عاری از «تبعیض ناروا» باشد. با برابرها بایستی به‌طور برابر رفتار شود و با نابرابرها به‌طور نابرابر (کلی، ۱۳۸۲: ۵۶). او عدالت را «تمام فضیلت» و ظلم و بی‌عدالتی را «تمام رذیلت» می‌داند: «عدالت یک جزء از فضیلت نیست، بلکه تمام فضیلت است و ضد آن یعنی بی‌عدالتی به هیچ وجه یک جزء از رذیلت نیست بلکه همه رذیلت است» (طالیس، ۱۳۵۶: ۱۰).

در عصر جدید و به‌ویژه از قرن هفدهم میلادی و با توسعه مقوله قرارداد اجتماعی، عدالت نیز در چارچوبی منفعت‌طلبانه توضیح داده شد و نمایندگان برجسته این نظریه در سده‌های هفدهم و هجدهم، هابز و هیوم

بودند. «به نظر هابز، عدالت عبارت است از اجرای تعهدی که فرد از روی نفع طلبی به اجرای آن‌ها رضایت داده است. پس اساس عدالت، قرارداد است. هیوم هم که متأثر از اندیشه هابز و الهام‌بخش مکتب اصالت فایده بود عدالت را در تأمین منافع متقابل می‌دید» (بشیریه، ۱۳۷۶: ۳۶) اما در این میان نگاه دیگری نیز به تدریج مطرح گردید و آن عدالت به منزله بی‌طرفی، یعنی نادیده انگاشتن نفع فردی، بود. نگاهی که غایت‌گرایانه و اخلاقی بود و در مقابل نگرش ابزاری یا قراردادی قرار می‌گرفت. در این نگاه باید وضعیتی پیشین فرض می‌شد که در آن عدالت معنا دارد و برای آن اصولی وجود دارد و انسان‌ها نه از روی نفع شخصی بلکه از روی عقل و به عنوان مخرج مشترک عقلی آن را می‌پذیرند که در ورای منافع شخصی قابل توضیح است. (درخشه، ۱۳۸۶: ۶-۸).

برخی بر این اعتقاد هستند که باید قواعد عدالت از راه عقل و تحلیل مسائل اجتماعی و آرمان‌ها شناخته شود و پاره‌ای دیگر داوری عقل را در این زمینه نمی‌پذیرند. به باور جامعه‌شناسان، عدالت از وجدان عمومی برمی‌خیزد. در این زمینه می‌توان از تعریف برتراند راسل از عدالت یاد کرد که می‌گوید: عدالت عبارت است از هر چیزی که اکثریت مردم آن را عادلانه بدانند (کاتوزیان، ۱۳۷۹: ۲۳۳).

هگل و پیروان او هم دولت را تنها مقام صالح برای تشخیص عدالت دانسته‌اند. به نظر این گروه، مبنای عدالت اراده دولت است و هیچ تفاوتی بین «آنچه هست» و «آنچه باید باشد» وجود ندارد و ریشه این امر را باید در عقاید سوفسطائیان جستجو نمود (کاتوزیان، ۱۳۷۹: ۲۳۳).

### ۱-۲-۱. عدالت رویه‌ای

در رابطه با تحقق عدالت در جامعه اختلافات و مناقشات بسیاری بین اندیشمندان دیده می‌شود. گروهی از نویسندگان معتقد هستند که برای رسیدن به عدالت بایستی رویه‌های موجود در جامعه عادلانه باشد. رقابت و



تلاش و توزیع منابع بر اساس آن، زمانی به عدالت می انجامد که شرایط یکسانی برای همه موجود باشد و پرداختن به نتایج، بدون در نظر گرفتن رویه‌ها منجر به عدالت نخواهد شد. این برداشت از عدالت که "عدالت رویه‌ای" نامیده می‌شود، معطوف به رویه‌های تصمیم‌گیری، ابلاغ، اجرا و اعتراض در تصمیمات و اعمال قواعد رویه‌ای و فرآیندهای مناسب آن است که بتواند عدالت را محقق سازد (گل پرور و وکیلی، ۱۳۸۸: ۱۳۲) و در واقع، عبارت است از میزانی که مقررات و رویه‌های مشخص شده توسط خط‌مشی‌ها در همه موارد کاربردشان، به صورت یکسان پیروی می‌شوند (Schermerhorn, 2002: 13). این نوع از عدالت، به بررسی آثار مثبت و منفی تصمیم‌های مدیران بر کارمندان آن‌ها از نظر میزان شفاف و منصفانه بودن اجرای این تصمیمات می‌پردازد (Knights & Wilmot, 2007: 542) و به اصلاح فرآیندها و نهادهای اداره و سازمان اشاره دارد (واعظی، ۱۳۸۴: ۹۱). از این دیدگاه، عدالت باید با استفاده از رویه‌هایی منصفانه تعریف شود؛ یعنی تصمیمات عادلانه تصمیماتی هستند که نتیجه رویه‌هایی منصفانه باشند. اجرای عدالت، مستلزم اتخاذ رویه‌های عادلانه است؛ یعنی صرف‌نظر از اینکه اساس و محتوای قانون باید عادلانه باشد، فراگردی که قرار است عدالت از آن منتج شود نیز باید عادلانه باشد؛ رعایت عدالت و انصاف در رویه اجرا، باید فرصت مساوی برای همگان فراهم آورد. از این رو می‌توان گفت عدالت مستلزم صراحت قوانین است و رویه اجرای قوانین زمانی عادلانه است که امکان بهره‌مندی از قانون را به سهولت در اختیار همگان قرار دهد. بارون و گرینبرگ معتقدند که دانشمندان دو جنبه برای عدالت رویه‌ای در نظر گرفته‌اند (Greenberg, & Baron, 2000: 147).

### ۲-۲-۱. عدالت محتوایی

طبق این رویکرد، اصول و محتوای قانون باید از اصول عادلانه پیروی نماید و باید نسبت به نژاد، گروه، جنسیت و مذهب و ... عادلانه

باشد (Heywood, 1966:23). «این باور که عدالت جزء جدائی‌ناپذیر قانون است، نشان‌دهنده آشکاری دیدگاه حقوق طبیعی از هنگام پیدایش آن بوده است.» (تبیث، ۱۳۸۴: ۲۸) که تا قرون جدید نیز طرفداران خود را حفظ کرده است. برای نمونه این جمله از سنت آگوستین (۳۵۴-۴۳۰ م) شهرت دارد که می‌گفت: «قانون ناعادلانه، قانون نیست» (آلتمن، ۱۳۸۵: ۱۱۶ و تبیث، ۱۳۸۴: ۳۴) در این نگاه، پیش از آنکه عدالت در رویه‌ها و فرآیندها اهمیت داشته باشد می‌بایست محتوا و مفاد قوانین مورد توجه قرار گیرد.

البته در قرن اخیر و با روی کار آمدن پوزیتیویسم حقوقی، تغییرات بنیادینی در این نوع نگاه به قوانین پدید آمد. از نگاه این مکتب، معیار مشروعیت قانون یا قاعده حقوقی، وضع و تصویب آن توسط یک مرجع معتبر اجتماعی است (Raz, 1979: 37-52). اصولاً فرضیه حقوق پوزیتیویستی بر تفکیک حقوق از اخلاق و عدالت استوار است و «پافشاری می‌کند که قانون یک چیز است و اخلاق و ارزیابی اخلاقی قانون، چیز دیگر... هیچ ارتباط ضروری‌ای میان اخلاق و قانون نیست. ضرورتی ندارد که یک قانون برای داشتن اعتبار قانونی، بر معیارهای اخلاقی منطبق باشد» (تبیث، ۱۳۸۴: ۲۲-۲۳).

و به این ترتیب عدالت کلی و مطلق، نه تنها به عنوان رکن و جزء جدایی‌ناپذیر قانون، بلکه حتی به عنوان شرط اعتبار و مشروعیت آن نیز مورد انکار قرار می‌گیرد و به جای آن، قرارداد اجتماعی، یا سودمندی قانون و یا صدور فرمان توسط دولت و امثال آن به عنوان معیار ارزیابی مطرح گشته است (آلتمن، ۱۳۸۵: ۱۴۳). بن‌تام - از سردمداران پوزیتیویسم حقوقی - نیز اراده دولت را محدود به هیچ مفهوم اخلاقی یا ارزشی نمی‌داند؛ چراکه از منظر او، دولت خود ارزش ساز و اخلاق ساز است. پس، سخن گفتن از ضرورت عادلانه بودن قاعده‌ای که دولت ایجادکننده آن است، وجهی نخواهد داشت. علاوه بر آنکه، از منظر بن‌تام، عدالت به عنوان مفهومی ارزشی، چندان با عقلانیت تجربی سودانگار سازگاری ندارد (Bentham, 1988: 75).

### ۱-۲-۳. عدالت توزیعی

عدالت توزیعی، عدالتی است که مقرر می‌کند هزینه‌ها و فایده‌ها را چگونه باید میان افراد جامعه توزیع کرد. به عبارت دیگر، مراد از عدالت توزیعی این است که چگونه باید خیرات و مواهب اجتماعی توزیع شود تا شبکه روابط اجتماعی عادلانه باشد و از این طریق شاهد ایجاد یک جامعه عدالت محور باشیم.

عدالت توزیعی در نوشته‌های فلاسفه و متفکران مختلف یکی از چهار شکل زیر را پیدا می‌کند: توزیع برحسب انصاف، توزیع برحسب نیاز و توزیع بر اساس اصل برابری، توزیع بر مبنای شایستگی. عدالت توزیعی اشاره‌ای به عدالت ادراک شده در نتایج و پیامدهایی است که عاید افراد می‌شود (گل پرور و وکیلی، ۱۳۸۸: ۱۳۲)

جان رویمر، یکی از اندیشمندان معاصر، در زمینه عدالت توزیعی، کتاب «برابری فرصت‌ها» را نوشت. او در «برابری فرصت» به هم سطح کردن عرصه بازی نظر دارد؛ بدین معنا که جامعه باید همه توان خود را در راستای هم سطح کردن عرصه بازی به کار گیرد و مراد از «هم سطح کردن عرصه بازی» پدید آوردن وضعی در جامعه است که در آن همگان فرصت‌های برابر داشته باشند. رویمر بر این باور است که هم سطح کردن عرصه بازی مستلزم این است که کمبود کسانی که از سبدهای پست‌تری از منابع درونی برخوردارند را با یک پیمانانه اضافی از منابع بیرونی جبران کنیم» (رویمر، ۱۳۸۲: ۳۴)

به منظور تحقق عدالت استخدامی، می‌بایست هم رویه‌ها و هم محتوا و مفاد قوانین را عادلانه تنظیم نمود و هم توزیع برابر فرصت‌ها را مد نظر قرار داد. چراکه همه این‌ها مکمل یکدیگرند و هر یک بدون وجود دیگری کامل نخواهد بود.

### ۲. مفاهیم مشابه و مرتبط

در بحث از عدالت، همواره برخی مفاهیم مشابه نیز دیده می‌شود که ارتباط

معنایی و ساختاری وثیقی با عدالت دارند و این ارتباط، ما را ناگزیر از آن می‌سازد که گفتاری را به این مفاهیم اختصاص دهیم. از جمله این مفاهیم مشابه و مرتبط می‌توان به «مساوات» و «عدم تبعیض» اشاره نمود. این دو مفهوم جایگاه ویژه‌ای در مباحثات راجع به عدالت داشته و دارند و در اسناد بین‌المللی نیز همواره مورد توجه قرار گرفته‌اند.

## ۱-۲. مساوات

بیان شد که برخی لغویون، عدالت را به معنای استواء و برابری ترجمه نموده‌اند (راغب اصفهانی، ۱۳۶۲: ۳۲۵). این معنا از عدالت، شباهت زیادی به معنای مساوات دارد. مساوات نیز در لغت به معنای برابری است (دهخدا، ذیل کلمه مساوات). مساوات از اصول حقوق عمومی است، همه مردم صرف‌نظر از جنس، طبقه، مذهب، ثروت و شغل باید از حقوق و تکالیف مساوی برخوردار باشند. این اصل در اندیشه‌های اسلامی از جمله اصول زیربنایی و نخستین پایه نظام اجتماعی اسلام است. از دیدگاه اسلام، افراد بشر به لحاظ خلقت و انسان بودن با هم برابرند و بر همین مبنا از حقوق انسانی برابر و مساوی نیز برخوردار هستند و هیچ کس به دلیل رنگ، نژاد، موقعیت اجتماعی، یا پست و مقام دارای امتیاز نیست و همه اقشار در برابر قانون به یک چشم نگریسته می‌شود. قرآن مجید نیز در آیات متعددی به این اصل اشاره کرده است؛ از جمله در آیه یک سوره نساء می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً».

اسلام انسان‌ها را از نظر حقوق، مساوی می‌داند و قانون است که بر افراد مورد خطاب خود ایجاد حق و تکلیف می‌کند، چون در بحث تساوی در برابر قانون که آن قانون برای همه است استثنا معنی نخواهد داشت و امتیاز در کار نخواهد بود.

در این معنا از مساوات و برابری، تفکیک میان حقوق انسانی و